

تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۶، شماره ۵۹، بهار ۱۴۰۳، صص ۲۹۶-۳۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۴/۱

(مقاله پژوهشی)

DOI:

اندیشه‌های قرآنی در داستان‌های تعلیمی حوزه ادبیات کودک و نوجوان با رویکرد به داستان‌های

### غلامرضا حیدری

سمیه رسولی<sup>۱</sup>، دکتر سیداحمد حسینی کازرونی<sup>۲</sup>، دکتر سید محمود سیدصادقی<sup>۳</sup>، دکتر سید جعفر

حمیدی<sup>۴</sup>

### چکیده

شاعران و نویسندگان حوزه ادبیات کودک و نوجوان در آفرینش آثار ادبی خود، اسلوب قرآن و شیوه‌های بیانی آن را الگوی کار خود قرار دادند و از الفاظ و اندیشه‌های قرآنی در لابه‌لای آثار خود بهره جستند به گونه‌ای که موضوع اقتباس از قرآن به بابی گسترده تبدیل شد. با تحلیل و بررسی آثار این حوزه، می‌توان به شواهدی از تأثیر لفظی و معنوی قرآن بر زبان، اندیشه و عقاید صاحبان این آثار پی برد و به این نتیجه رسید که قرآن به‌عنوان مهم‌ترین منبع فرهنگ اسلامی، الهام‌بخش بسیاری از شاعران و نویسندگان ادبیات کودک و نوجوان بوده است. این جستار درصدد آن است تا به شیوه توصیفی-تحلیلی به بررسی تأثیرپذیری غلامرضا حیدری از مضامین قرآنی در داستان‌های حوزه ادبیات کودک بپردازد. حیدری یکی از نویسندگان برجسته حوزه ادبیات کودک و نوجوان در دهه هشتاد است که آثار بی‌شماری در این حوزه با مضامین قرآنی و دینی دارد. به همین منظور با تبیین مضامین قرآنی متجلی در داستان‌های حیدری و بررسی کارکرد آن‌ها، نویسنده در پی پاسخ دادن به این دو پرسش است که هدف از کاربرد مضامین قرآن در داستان‌های حوزه کودک چیست؟ و کدام مضامین بیش‌ترین کاربرد را دارد؟ با بررسی انجام شده می‌توان گفت که مضامین قرآنی، بخشی از محتوای داستان‌های وی را تشکیل می‌دهد که با هدف آشنایی با دین، القای آموزه‌های اسلامی، شناساندن معارف قرآنی و آماده‌سازی قشر نوجوان برای انجام وظایف دینی استفاده می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** غلامرضا حیدری، ادبیات کودک و نوجوان، قرآن کریم، خداشناسی، اقتباس.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.

rasoli25@yahoo.com

<sup>۲</sup> استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.

Sahkazerooni@yahoo.com

<sup>۳</sup> استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران. (نویسنده‌مسئول)

sadeghi.mhmood33@yahoo.com

<sup>۴</sup> استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.

Hamidi82225@yahoo.com

## مقدمه

قرآن کریم، معجزه‌ای است که در قالب کلام، ظهور یافته و شامل تمام مراتب اعجاز است و از جهات بسیاری، اعجاز خود را برای بشر به نمایش گذاشته است. کلام قرآن ظاهری زیبا و باطنی ژرف دارد که هم از لحاظ لفظی و ظاهری و هم از جهات معنوی و محتوایی دارای اعجاز می‌باشد؛ اما اولین مرتبه از مراتب اعجاز آنکه پیش‌تر از مراتب معنوی و محتوایی بر بشر رو می‌نماید، همان اعجاز لفظی آن است. قرآن کریم در قالب کلامی که در نهایت فصاحت و بلاغت است، نازل شده است و از این جهت، بسیاری از دانشمندان، اعجاز قرآن را در بلاغت بی‌نظیر آن می‌دانند. تجلی کلام بلیغ قرآن در ادب فارسی به قدری چشمگیر است که بسیاری از محققان را بر آن داشته که به تحقیق در تأثیر قرآن در شعر و ادب فارسی روی آورده و کتب فراوانی در این زمینه تألیف کنند.

غلامرضا حیدری، یکی از نویسندگان مطرح در حوزه ادبیات کودک، داستان را آینه‌ای برای بازتاب افکار، بینش‌ها و اعتقادات خود قرار داده است. وی با توجه به میزان درک مخاطب از اندیشه‌های لطیف قرآنی در لابه‌لای نوشته‌های خود استفاده کرده است و در عین اشاره به باورهای دینی و قرآنی به ساختار داستان نیز توجه دارند؛ لذا هدف اصلی در این پژوهش بررسی و تحلیل تأثیرپذیری حیدری از اندیشه‌های قرآنی و مشخص نمودن بسامد کاربرد مضامین قرآنی در داستان‌های کودکانه این نویسنده است.

با بررسی داستان‌های غلامرضا حیدری این نکته روشن و مبرهن است که نویسنده برای تفهیم پیام در برخی داستان‌ها، چنان دقیق و استادانه، آیات مربوط به آن پیام را به‌کاربرده که نشان می‌دهد، علاوه بر اینکه نویسنده توانایی است، فردی است که با قرآن و مفاهیم آن نیز آشناست، به‌طوری‌که هر زمان که اراده می‌کند، می‌تواند از نمونه قرآنی در انتقال پیام بهره بگیرد؛ البته در آثار این نویسنده در بخشی از داستان‌ها، مفاهیم بسیار نزدیک به مفاهیم قرآنی هستند؛ اما با هیچ آیه‌ای همراه نیست؛ بلکه مضمون آیه در آن جملات نهفته است و نشان می‌دهد که احتمالاً وی با در نظر داشتن آن آیات در پس‌زمینه فکر خود اقدام به افزودن آن بخش کرده است.

## پیشینه تحقیق

درباره تأثیر قرآن و اندیشه‌های قرآنی بر داستان‌های تعلیمی حوزه ادبیات کودک و نوجوان،

پژوهش‌های فراوانی شده است:

غلامی زارع‌زاده در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر قصه‌های قرآن کریم بر تربیت و رشد کودکان»، نویسنده در این پژوهش اهمیت قصه را در تربیت کودکان که طلایه‌داران آینده هستند، مورد بررسی قرار داده است و به این نتیجه رسیده است که داستان، همواره منعکس‌کننده دیدگاه انسان درباره جهان و عوامل ناشناخته پیرامون او و وسیله انتقال و آموزش آداب و سنن، اعتقادات و تاریخ یک نسل به نسل‌های دیگر است.

شجاع رضوی (۱۳۹۸)، در مقاله «بررسی تأثیر داستان‌های قرآنی بر مهارت‌های اجتماعی کودکان ۴ تا ۶ ساله از دیدگاه روان‌شناسی تربیتی»، به بررسی پنج خصوصیت فطری انسان (عجول، جزوع، حریص، قتور و هلوع) که در قرآن ذکر شده، بر روی کودکان بررسی و مشاهده نموده است و سپس به تحلیل و مطابقت قصه‌های قرآنی با این صفات پرداخته است.

زارع گاوگانی (۱۳۸۳)، در مقاله «مفاهیم تربیتی اسلام از دیدگاه قرآن در ادبیات کودک و نوجوان»، به تحلیل محتوای ادبیات کودک و نوجوان و جستجوی مفاهیم تربیتی اسلام از دیدگاه قرآن در زمینه ارتباط انسان با خداوند، خویش، خلق و طبیعت پرداخته است.

هویدا و همایی (۱۳۸۹) در مقاله «تأثیر قصه‌های قرآنی بر هوش هیجانی کودکان» به این نتیجه رسیدند که قصه‌های قرآنی، موجب افزایش هوش هیجانی کودکان می‌شود.

سلیمان نژاد و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله «تأثیر مهارت‌های اجتماعی از طریق قصه‌های قرآن برای کودکان»، نشان دادند که قصه‌های قرآنی بر مؤلفه مهارت‌های اجتماعی تأثیر دارد.

محرمی و همکاران (۱۳۹۵)، در مقاله «بررسی تأثیر مضامین قرآنی در اشعار کودکان جعفر ابراهیمی»، به بررسی مضامین قرآنی در اشعار این شاعر پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که بیش‌ترین مضامین، مربوط به خداشناسی است که با استمداد از مظاهر طبیعت به آن پرداخته شده است.

زارع (۱۳۹۴)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «شگردهای خداشناسی در ادبیات کودک دهه هشتاد»، به این نتیجه دست یافته است که بیشتر نویسندگان و شاعران از راه طبیعت، خدا را به کودکان معرفی کرده‌اند.

آنچه موجب تمایز تحقیق حاضر با پژوهش‌های یاد شده می‌شود؛ این است که تاکنون هیچ پژوهشی مستقل در رابطه با تأثیر قرآن و اندیشه‌های قرآنی بر داستان‌های تعلیمی حوزه ادبیات

کودک و نوجوان دهه هشتاد با رویکرد به داستان‌های غلامرضا حیدری، صورت نگرفته است.

### روش تحقیق

از لحاظ روش، این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است که با تجزیه و تحلیل محتوایی و فکری اثر، انجام شده است و از دیدگاه هدف، این پژوهش، بنیادی است. شیوه گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز به شیوه تحلیل محتوا خواهد بود. این پژوهش به بررسی داستان‌های غلامرضا حیدری پرداخته است.

### مبانی تحقیق

#### ادبیات کودک و نوجوان

ادبیات کودک و نوجوان گونه‌ای از ادبیات است که جداسازی آن از بخش‌های دیگر ادبیات با سن مخاطبان آن انجام می‌شود. می‌توان گفت ادبیات کودکان و نوجوانان تلاشی هنرمندانه در قالب کلام است که برای هدایت کودک و نوجوان به سوی رشد، با زبان و شیوه‌ای مناسب و درخور فهم او صورت می‌گیرد. به بیانی دیگر، ادبیات چگونگی تعبیر و بیان احساسات، عواطف و افکار به وسیله واژگان در اشکال و صورت‌های گوناگون است. ادبیات، کودکان و نوجوانان را در همه اوقات زندگی پرورش می‌دهد و باعث شادی خاطر، وسعت تخیل و قوت تصور آن‌ها می‌شود و نیز نیروی ابتکار و ابداع به او می‌بخشد. «این گونه ادبی، به معنای عام، به آثاری اطلاق می‌شود که هم از نظر درون‌مایه و ساخت و پرداخت و تصویر و هم از نظر زبان و بیان و شیوه ارائه با نیازها، علاقه‌مندی‌ها، تجربه‌ها و توانایی‌های درک و خواندن کودکان و نوجوانان متناسب باشد» (قرنل ایاغ، ۱۳۸۹: ۲۸).

#### داستان کودک در دهه هشتاد

وضعیت داستان کودک و نوجوان در دهه هشتاد، نسبت به اواخر دهه هفتاد، با افت کمی آثار کودک و نوجوان، روبه‌رو شده است. البته این افت کمی دوام چندانی نداشت، در سال هشتادویک، آثار در این حوزه، افزایش چشمگیر داشت و این آثار، سیر صعودی خود را طی کرد، به این ترتیب در سال هشتادوپنج، تعداد این آثار به بالاترین حد خود در طول سال‌های پس از انقلاب رسید. گفتنی است که افزایش آثار، بیشتر مربوط به آثار غیرداستانی و ترجمه بوده است. در حوزه آثار داستان تألیفی در این سال‌ها، باید گفت علی‌رغم افزایش کمی آثار به‌طورکلی در نیمه دهه هشتاد، آثار داستان-تألیف به لحاظ کمی، افزایش چندانی نداشته است.

این در حالی است که آثار داستان ترجمه، همانند دهه گذشته، به وضوح توانسته است بر آثار داستان - تألیف غلبه کند.

در حوزه آثار تألیفی می‌توان گفت: که با افت تعداد آثار داستان - تألیف در سال‌های آغازین این دهه که تا نیمه آن نیز ادامه یافته، روبه‌رو بوده‌ایم. به‌طور کلی به لحاظ کیفی نیز رشد قابل ملاحظه‌ای در آثار مشاهده نمی‌شود، در مقابل، آثار ترجمه بر آثار تألیفی غلبه کرده است.

### شرح حال نویسنده

غلامرضا حیدری ابهری، در سال ۱۳۴۸ هجری شمسی در شهر تهران به دنیا آمد. تحصیلات دوره ابتدایی و راهنمایی را در همین شهر گذراند. به دلیل علاقه به علوم دینی، تحصیلات دوره دبیرستان را نیمه‌تمام، رها کرد و به شهر قم رفت. در مدارس علمیه قم، تحصیل علوم دینی را آغاز کرد و از استادان بزرگ حوزه، بهره برد. او هم‌زمان با تحصیل، نویسندگی را نیز تجربه کرد. اولین اثر او در سال ۱۳۷۴ منتشر شد. موفق‌ترین آثار او، کتاب‌هایی است که وی در حوزه توحید و خداشناسی برای کودکان و نوجوانان نوشته است (ر.ک: حیدری ابهری، ۱۳۹۴: وبسایت شخصی).

### بحث

#### خداشناسی از راه طبیعت

در طول تاریخ، انسان، راه‌های گوناگونی برای رسیدن به خدا و هم‌چنین شناخت خداوند، طی کرده است؛ اما همان‌گونه که خداوند متعال در آیات متعددی از قرآن، انسان را به تفکر در طبیعت دعوت می‌کند، ساده‌ترین راه برای پی بردن به وجود خدا و شناخت او، دقت در طبیعت و پی بردن به وجود قادری مطلق است. استاد مطهری در مجموعه آثار خود می‌نویسد: «اگر کسی مخلوقات را آن‌چنان که هست ادراک کند، خداوند را آن‌چنان در آن‌ها ادراک می‌کند که در آئینه، اشیا را می‌بیند؛ یعنی حقیقت آن‌ها، عین ظهور و تجلی ذات حق است» (مطهری، ۱۳۸۶: ۹۷۵).

قرآن برای اینکه خدا را به انسان نشان دهد و دل او را متوجه خدا سازد، چگونگی آفرینش موجودات و عظمت حکمت‌هایی را که خدا در آفرینش آن‌ها به‌کار برده است، به او یادآور می‌شود تا انگیزه‌ای برای شکر و حق‌شناسی انسان باشد. خداوند در آیات سوم و چهارم سوره

جائیه می‌گوید: «إِنَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُثُّ مِن دَابَّهِ آيَاتٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ» (جائیه: ۳ و ۴).

همانا در خلقت آسمان‌ها و زمین برای اهل ایمان، آیات و ادله‌ای از قدرت الهی پدیدار است. و در خلقت خود شما آدمیان و انواع بی‌شمار حیوان که در روی زمین پراکنده است هم آیات و براهینی از قدرت حق برای اهل یقین آشکار است.

برای دقت در طبیعت و پی بردن به وجود خالق توانا، همین بس که به خود بنگریم که آفرینش ما نیز از طبیعت و خاک است. نویسندگان بسیاری در شعرها و داستان‌های خود، طبیعت را برای معرفی خدا و آموزش خداشناسی به کودکان، الگوی کار خویش قرار داده‌اند. به دلیل ملموس و در دسترس بودن طبیعت، کودکان بهتر می‌توانند به درک خالق این جهان پی ببرند؛ زیرا طبیعت به خاطر سادگی، منشأ و منبع اولیه و جایگزین ناپذیر تجربه‌های احساسی-عاطفی برای کودک است و همچنین اولین آموزشگاه تجربی در خدمت اوست.

شناخت خدا برای کودک، امر مهمی است. برای آموزش خداشناسی به کودکان ملموس‌ترین راه طبیعت است. محبت و زیبایی خدا در رنگ‌های طبیعت و مناظر طبیعی متجلی است. با آمدن برف و باران، شکفتن گل‌ها و دیدن نوزاد حیوان‌ها و با جلوه و زیبایی که در طبیعت به چشم می‌خورد، ما می‌توانیم یاد خدا را در خاطر کودکان، زنده کنیم.

نویسنده ادبیات کودک، از دو راه، شناخت جهان و شناخت خود، برای خداشناسی استفاده کرده است. «هستی‌شناسی و تدبیر در شگفتی‌های طبیعت، آسمان، زمین، آب، گیاه، آفتاب، باران و غیره را شگرد برای آشنایی کودک با خدا می‌داند» (ر.ک: اپلت، ۱۳۹۰: ۱۴۲). در قرآن هم در آیاتی به این امر اشاره شده است.

بدین ترتیب مهم‌ترین دغدغه و مسئله‌ای که در طول تاریخ، ذهن انسان را به خود مشغول کرده است، موضوع شناخت خداوند است. پی بردن به حقیقت وجودی پروردگار در عین سادگی، بسیار دشوار است. بدین‌گونه که اگر انسان از راه اصولی در راه شناخت خداوند گام بردارد، به شناخت یا دریافتی در حد عقل و بینش خود دست خواهد یافت و اگر در راه نادرست، وارد شود، به مشکل و گرفتاری برخورد خواهد نمود.

غلامرضا حیدری در کتاب «چرا خدا به گاودم داده است» با بیان ویژگی‌های حیوان‌ها و نحوه خلقت آن‌ها، کودکان را متوجه قدرت و تدبیر خدا کرده و به موضوع آفرینش چهارپایان و

نحوه خلقت آن‌ها پرداخته است. در خلاصه داستان آمده است: «خرگوش از لانه‌اش بیرون آمد تا برای بچه‌هایش هویج پیدا کند. وقتی از مزرعه هویج‌های زیادی جمع کرد یک‌دفعه یادش آمد که زنبیلش را فراموش کرده است. با خودش گفت: حالا چه کار کنم؟ همه این‌ها را نمی‌توانم دستم بگیرم! باید طنابی پیدا کنم و دور این‌ها بیچم. در راه گوسفندی دید از او طناب خواست؛ ولی گوسفند طناب نداشت و به خرگوش گفت: که پشت تپه گاوی است شاید او داشته باشد. خرگوش رفت و به گاو گفت: شما طناب ندارید. ... گاو گفت: متأسفانه من طناب ندارم. یک‌دفعه چشم خرگوش به دم گاو افتاد و به گاو گفت: اگر می‌شود دم را به من بده؛ چون طناب خوبی است. گاو در جوابش گفت: نه دوست من، خداوند این دم را به من داده تا با آن پشه‌ها را از خودم دور کنم، تازه این دم وسیله بازی من هم هست ... ولی تو ناراحت نباش گاو رفت و دستمال گل‌گلی را آورد و به خرگوش داد. حالا خرگوش هم هویج‌ها را می‌توانست ببرد و هم فایده دم گاو را فهمیده بود» (حیدری، ۱۳۹۲: ۱۱).

این داستان منطبق است با آیه: «إِنَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّلْمُؤْمِنِينَ، وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُثُّ مِن دَابَّةٍ آيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ» (جاثیه/۳ و ۴).

همانا در خلقت آسمان‌ها و زمین برای اهل ایمان آیات و ادله قدرت الهی پدیدار است و در خلقت خود شما آدمیان و انواع بی‌شمار حیوان که در روی زمین پراکنده است، هم آیات و براهینی (از قدرت حق) برای اهل یقین آشکار است.

و نیز به آیه: «وَإِن لَّكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةٌ لِّتُؤْتِيَهُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهَا وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ» (مومنون/۲۱)؛ و بی‌شک برای شما در (مطالعه حال) چهارپایان و حیوانات اهلی عبرت خواهد بود که از شیر آن‌ها به شما می‌آشامانیم و در آن‌ها برای شما منافع بسیاری است (مانند فرش‌ها و لباس‌ها و اثاثیه و باربری و فواید بسیار دیگر) و از گوشت آن‌ها نیز تناول می‌کنید.

حیدری در کتاب «چرا خدا به لاکپشت لاک داده است». با بیان توانمندی و ویژگی‌های حیوانات به معرفی خدا پرداخته است.

در خلاصه داستان آمده است: «لاکپشت خیلی گرمش شده بود. بعد از شناکردن و خوردن کاهو از مزرعه، دلش می‌خواست استراحت کند. او به خواب رفت که یک‌دفعه با صدای حیوان‌ها از خواب برخاست. دید که حیوان‌ها به این طرف و آن طرف فرار می‌کردند و فریاد می‌زدند، گویا باز روباه به مزرعه حمله کرده بود. لاکپشت نگاهی به اطراف می‌کند، دوباره به

زیر لاک خود می‌رود و استراحت می‌کند. فردا صبح وقتی حیوان‌ها دورهم جمع می‌شوند و هر کس از نحوه فرار کردن خود از دست روباه صحبت می‌کند. یکی از خرگوش‌ها از لاک‌پشت پرسید: آقای لاک‌پشت تو موقع حمله کجا بودی؟ لاک‌پشت گفت: من همین‌جا خوابیده بودم. همه تعجب کردند و گفتند: پس چه‌طور زنده‌ای؟ او گفت: این لاک‌ی که خدا به ما لاک‌پشت‌ها داده یک پناهگاه محکم است» (زارع، ۱۳۹۵: ۶۵).

این عبارت داستان که می‌گوید: خدا به همه امور عالم داناست و هیچ‌چیزی را بیهوده نیافریده است: «این لاک‌ی که خدا به ما لاک‌پشت‌ها داده یک پناهگاه محکم است» (حیدری، ۱۳۹۲: ۱۱)، منطبق با آیه ۳ سوره حدید است.

نویسنده در عبارت فوق، با تصرف در مفهوم طبیعت، درصدد برقراری ارتباط انسان و طبیعت است که به این تصرف ذهنی خیال اطلاق می‌شود (ر.ک. شفیعی، ۱۳۷۵: ۲). نویسنده با توصیف پدیده‌های طبیعی و زیبایی‌های آن علاوه بر ایفای رسالت نویسندگی در انتقال مفاهیم اخلاقی و آموزشی با استفاده از صنعت تشخیص و جان‌بخشی به پدیده‌ها و عناصر طبیعی، کودک را از لذت‌های طبیعی بهره‌مند ساخته است.

در کتاب «چرا خدا به فیل خرطوم داده است»، نویسنده، به‌وسیله حیوانات که جزئی از طبیعت هستند و بیان و توانمندی‌های آنان، قدرت و حکمت خداوند را در خلقت موجودات پرداخته و یادآور شده که او هیچ‌چیز را بیهوده نیافریده است.

خلاصه داستان «چرا خدا به فیل خرطوم داده است»، آمده است: «میمون یک دسته موز به دست گرفته بود و می‌خورد. وقتی موزها را می‌خورد، رفت و بالای درخت نشست و آب خوردن حیوانات را تماشا کرد. گوزنها و پرندگان هرکدام آب خوردند و رفتند. کمی بعد، از آن دورها سر و کله فیل پیدا شد. میمون باخودش فکرکرد، همه حیوان‌ها گردن دارند و آن را خم می‌کنند و آب می‌خورند؛ اما گردن فیل که کوتاه است او چگونه می‌خواهد آب بخورد؟ برای همین سطلی را پر از آب کرد و منتظر شد تا فیل بیاید و میمون به او در خوردن آب کمک کند. وقتی فیل آمد میمون به طرف فیل رفت تا سطل آب را جلوی دهان او بگیرد؛ اما در همان موقع فیل خرطومش را در آب فروبرد و آب را توی دهانش ریخت. بعد فیل از میمون می‌پرسد با این سطل آب اینجا چه می‌کنی؟ میمون ماجرا را برای او تعریف کرد. فیل خندید و گفت: این خرطومی که خدا به ما فیل‌ها داده است، فایده‌های زیادی دارد، با آن آب می‌خوریم،



از روی زمین علف برمی‌داریم و ... میمون تازه آن روز فهمیده بود که چرا خدا به فیل خرطوم داده است» (ر.ک: حیدری، ۱۳۹۲: ۱۴).

با توجه به مضمون داستان فوق که خدا هیچ چیزی را بیهوده نیافریده و هیچ موجودی را فراموش نخواهد کرد، منطبق است با آیه: «هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (حدید/۳)؛ اول و آخر هستی و پیدا و پنهان وجود همه اوست و او به همه امور عالم داناست.

در کتاب «چرا خدا به زرافه گردن‌دراز داده است»، نویسنده با بیان ویژگی‌های حیوانات که جزئی از طبیعت‌اند، قدرت و حکمت خداوند را متذکر شده است. خلاصه داستان اینگونه آمده است که: «گورخر و گوزن با هم خیلی دوست بودند. یک روز مثل همیشه در حال حرف زدن بودند که زرافه‌ای پیش آن‌ها آمد و پرسید: ببخشید، نزدیک‌ترین برکه آب کجاست؟ گورخر یواشکی خندید و وقتی که گوزن به او گفت: چرا می‌خندی؟ در جوابش گفت: من نفهمیدم گردن‌دراز زرافه به چه دردی می‌خورد! هر وقت او را می‌بینم خنده‌ام می‌گیرد...» (زارع، ۱۳۹۴: ۵۹). داستان روابط علت- معلولی بر آن حاکم است. علت مسخره شدن زرافه، به خاطر گردن‌درازش است و همچنین جهالت گورخر که نمی‌داند؛ نباید دیگران را تمسخر کند و نادانی از اینکه هر چیزی که خداوند آفریده یک فایده‌ای دارد.

در حکایت آمده که «تو گردن‌دراز او را مسخره کردی. آیا خودت دوست داری پوست راه‌راحت را مسخره کنند» (حیدری، ۱۳۹۲: ج ۴). این عبارت با آیات ذیل منطبق است: «وَيَلِّ لِكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٌ» (همزه/۱)؛ وای بر هر عیب‌جوی هرزه زبان. و یا به آیه: «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ» (انبیا/۱۶)؛ ما آسمان و زمین و آنچه بین زمین و آسمان است به بازیچه نیافریدیم.

همچنین انطباق دارد با آیه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَرُوا بِاللِّقَابِ بِنِسِ الْإِسْمِ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (حجرات/۱۱).

ای اهل ایمان، مؤمنان هرگز نباید قومی، قوم دیگر را مسخره و استهزا کنند، شاید آن قوم که مسخره می‌کنند از خود آنان بهتر باشند و نیز بین زنان با ایمان، قومی دیگری را سخریه نکنند که بسا آن قوم از خود آن زنان بهتر باشند و هرگز عیب‌جویی (از هم‌دینان) خود مکنید و به نام

و لقب‌های زشت یکدیگر را مخوانید که پس از ایمان به خدا، نام فسق (بر مؤمن نهادن) بسیار زشت است و هر که توبه نکند، چنین کسان بسیار ظالم و ستمکارند.

موضوع تخیل در کودکان به مراتب قوی‌تر از بزرگسالان است، اما به دلیل محدودیت دایره لغات نویسنده داستان کودک نمی‌تواند همه مفاهیم پیچیده ذهنی و انتزاعی را به طور کامل و دقیق در قالب واژگان به تصویر بکشد. «شاعر و نویسنده ادبیات کودک علی‌رغم آگاهی به روابط علمی و علمی‌اشیای جهان اطراف خود در لحظه نوشتن و یا سرودن این آگاهی‌ها را کنار می‌گذارد و بیشتر جذب دنیای عینی کودک می‌شود» (نجفی، ۱۳۹۰: ۳۰)

در تربیت دینی کودک به مسئله زیبایی‌شناسی به عنوان یک عنصر اصلی، توجه وافر شده است. «هدف از عنصر زیبایی‌شناختی در تربیت این است که هرگونه اثر تربیتی در قالب رفتار، کلام، الگو، نصیحت، تجربه، آموزش و غیره به پرده‌های زیبا با تصاویری دل‌نشین همراه با لحظات جذبه از درون متربی بدل شود. در غیر این صورت، مهم‌ترین حقیقی‌ترین و درست‌ترین رفتارها و پیام‌ها و نصیحت‌ها، نه تنها مؤثر نخواهد بود، بلکه زمینه کار تربیتی را در مراحل بعد نامساعد می‌سازد» (کریمی، ۱۳۸۵: ۹۷).

نویسنده در داستان «چرا خدا به کبوتر نوک داده است» با جلب توجه کودک، به پرواز پرندگان در آسمان، وظیفه نگهداری آن‌ها در آسمان را به خداوند نسبت داده است و این حیوان را وسیله‌ای برای خداشناسی در نظر گرفته که اشاره به این موضوع در کتاب منطبق است با آیه: *أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَافَاتٍ وَيَقْبِضْنَ مَا يُمَسِّكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ* (ملک/۱۹) «آیا در مرغان هوا نمی‌نگرند که در جو آسمان مسخرند و به جز خدا کسی نگهبان آن‌ها نیست؟! در این امر برای اهل ایمان نشانه‌هایی از قدرت حق، پدیدار است.

جهان آفرینش همانند یک کتاب است که آیات و نشانه‌های الهی را در خود متجلی ساخته است. هرکدام از این پدیده‌ها حرفی و کلمه‌ای از آن و مجموعه‌ای از شگفتی‌هایی است که راز خلقت آسمان و زمین، آب و باد و باران، انسان، کوه‌ها، شب و روز، ماه و خورشید و غیره (انعام/۲، الرحمن/۱۴، حجر/۳۳، روم/۲۲ و مریم/۶۷) را در خود دارد. با اندک تأمل و تفکر در این زیبایی‌ها و پدیده‌های طبیعی، می‌توان ذهن هر پرسشگر حقیقت‌جو را به تفکر واداشت و به سرمنزل هستی رهنمون کرد.

در کتاب «چرا خدا به کبوتر نوک داده است»، نویسنده داستان حکایت زیبایی تولد جوجه کبوترها را بیان می‌کند. در خلاصه داستان آمده است: «بالاخره پس از روزها چشم انتظاری، جوجه کبوترها سراز تخم به درآوردند. کبوتر ماده. از امروز کارش، سیر کردن شکم جوجه‌ها شد. هرروز که می‌گذشت، جوجه‌ها روزبروز بزرگ‌تر می‌شدند. تا این که کم‌کم باید، پرواز کردن را یاد بگیرند؛ آن‌ها با تشویق و کمک پدر و مادرشان از لانه، بیرون پریدند. کبوتر ماده در هنگام یاددادن پرواز به جوجه‌هایش، چیزهای دیگری هم به آن‌ها یاد می‌داد. یکی اینکه باید مراقب پر و بال خود باشید تا هیچ گونه آسیبی نینند و اینکه خداوند، بال‌های زیبا را به آن‌ها داده تا بتوانند با آن پرواز کنند و آب و دانه به‌دست آورند و هیچ وقت گرسنه نمانند.» (حیدری، ۱۳۹۲: ۲)

حیدری در کتاب «چرا خدا به شتر کوهان داده است» با استفاده از حیوان‌ها و ویژگی‌های آن‌ها که خود جزئی از طبیعت هستند، توانسته، کودکان را متوجه خلقت و خالق آن‌ها بکند و به کودک گوشزد سازد که خدا هیچ‌چیزی را بی‌فایده نیافریده است. خلاصه داستان، چنین آمده است که: «روزی شتر از آبادی به سمت صحرا می‌رفت که در راه ناگهان دوستش الاغ را دید که چند کیسه گندم روی دوش الاغ بود. شتر به الاغ گفت: حاضرم بهت کمک کنم. الاغ از این حرف شتر خندید و گفت: تو کوهان‌های مسخره و بی‌خودیات را حمل کن، نمی‌خواهد بار سنگین مرا برداری. من سرانجام متوجه نشدم که خداوند برای چه این کوهان‌های بی‌فایده را بر روی دوش شما شترها قرار داده است؟ شتر از حرف‌های الاغ، خیلی خیلی ناراحت شد...».

این جمله داستان «حالا فهمیدی که چرا خدا به ما شترها کوهان داده است» (حیدری، ۱۳۹۲: الف: ۱۱)، تلمیح دارد به آیه: «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ» (غاشیه/۱۷)؛ آیا مردم در خلقت شتر نمی‌نگرند که چگونه (به انواع حکمت و منفعت برای بشر) خلق شده است؟ با عنایت به این نکته که دوران کودکی و نوجوانی، بهترین زمان آموزش برای کودک است، نویسنده تلاش نموده است تا با بیان اعتقاد به پروردگار، به زندگی کودک جهت بدهد و به درک معنای زندگی کودک، کمک کند. نویسنده داستان بر همین مبنای قرآنی، خداشناسی را در داستان خود تعلیم داده است و برای ایجاد تناسب بین موضوع و مخاطب به اقتضای فهم و درک مخاطب از پدیده‌های آشنای طبیعت که در حوزه ذهنی کودک وجود دارد، استفاده کرده و

از این طریق، لحنی کودکانه به داستان خود بخشیده است. آن‌چنان که در لابه‌لای داستان مشاهده می‌گردد، نویسنده از پدیده‌های طبیعی کودک را متوجه خالق ساخته است.

گفتنی است نویسنده داستان کودک از ظرفیت‌های زبانی و تخیل در تصویر جلوه‌های زیبای طبیعت برای برانگیختن عواطف و همسوسازی کودک با طبیعت بهره برده است تا با بیانی زیبا توجه کودک را به دنیای اطراف خود جلب نماید.

حیدری در داستان‌های فوق برای رسیدن به هدف نهایی و غایی که همان خداشناسی است، با بهره‌گرفتن از آیات فوق و با زبانی کودکانه این مفاهیم را در لابه‌لای داستان خود بدین گونه بیان کرده است.

### خداشناسی از راه بیان نعمت‌ها

خداوند متعال نعمت‌های مادی و معنوی زیادی برای بشر آفریده است. به عبارتی، خداوند انسان را سرشار از نعمت‌های خویش نموده است و همه نوع نعمت در اختیار او قرار داده است. در قرآن، نعمت‌های الهی بر دو گونه‌اند: نعمت‌های ظاهری و نعمت‌های باطنی؛ چنان‌که قرآن کریم در سوره ۲۰ لقمان می‌فرماید: «أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّبِينٍ» (لقمان/۲۰)؛ آیا شما مردم به حسن مشاهده نمی‌کنید که خدا انواع موجوداتی که در آسمان‌ها و زمین است برای شما مسخر کرده و نعمت‌های ظاهر و باطن خود را برای شما فراوان فرموده؟ و (با وجود این) برخی از مردم از روی جهل و گمراهی و بی‌خبری از کتاب روشن (حق) در (دین) خدای متعال مجادله می‌کنند. در اینکه منظور از نعمت‌های ظاهر و باطن در آیه چیست، مفسران بسیار سخن گفته‌اند. در احادیثی که از پیامبر اسلام (ص) و ائمه اطهار (ع) نقل شده است، نعمت ظاهری را رزق و آفرینش نیکو و توحید و نبوت و اسلام و نعمت باطنی را ولایت و مودت اهل بیت پیامبر (ص) دانسته‌اند (ر.ک: زارع، ۱۳۹۴: ۴۵)؛ از سوی دیگر، قرآن کریم در آیاتی چند به یادآوری نعمت‌های الهی سفارش نموده است. برای مثال، در آیه ۳ سوره فاطر می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَآتَىٰ تُوْفِكُونَ» (فاطر/۳)، ای مردم، متذکر شوید که چه نعمت‌ها خدا به شما عطا فرمود، آیا جز خدا آفریننده‌ای هست که از آسمان و زمین به شما روزی دهد؟

هرگز جز آن خدای یکتا خدایی نیست، پس این مشرکان چگونه شما را (از درگاه حق، رو به بتان باطل) می گردانند؟

با عنایت به آیه فوق یکی از روش‌های تربیتی پیامبران الهی، یادآوری نعمت‌های الهی می‌باشد تا به این وسیله، گرایش انسان‌ها را به سوی صاحب نعمت برانگیزند و سپاسگزاری از نعمت دهنده را که از گرایش‌های ریشه‌دار و فطری انسان است، در آنان بیدار سازند» (مقدسی پرور، ۱۳۸۲: ۴۱).

کودک در روبه‌رو شدن با نعمت‌های الهی و آشنا شدن با هر کدام و پی بردن به این موضوع که تمام چیزهایی که خدا آفریده برای ما سودمند و دارای هدف است و او هیچ چیز را بیهوده نیافریده پی به بزرگی خدا می‌برد. مبحث توحید و خداشناسی را بهتر درک می‌کند؛ چون به این نتیجه می‌رسد که فقط دستی توانا و خالقی یکتا می‌تواند به وجود آورنده این همه نعمت ارزشمند باشد (ر.ک: زارع، ۱۳۹۴: ۴۶).

خداوند همه نوع نعمت در اختیار انسان قرار داده است و او را از نعمت‌های خویش لبریز کرده است. وقتی کودکان را متوجه آفریده‌ها و نعمت‌های بی‌پایان خداوند می‌کنیم، میل و گرایش او را به سوی حق، افزایش داده و راهی به سوی خداشناسی پیش روی او می‌نهیم. تا با توجه به این نعمت‌ها، خود به سوی خالق یکتا گام نهد و او را از این راه بشناسد.

حیدری در کتاب «خدا دوستت دارد»، کودک را مخاطب خویش قرار داده است و به‌طور مستقیم به او می‌گوید: «کسانی که تو را دوست دارند هر کدام به شکلی، دوستی خودشان را به تو نشان می‌دهند؛ برای نمونه، معلم با یاد دادن علم، همکلاسی و دوستان به وسیله بازی کردن ... پدر و مادر با کار و خریدن وسایل زندگی ... و در آخر بیان می‌کند که خدا با دادن نعمت دست و پا، چشم و تمام اعضای بدن و همچنین نعمت‌های دیگر دوستی‌اش را به تو نشان داده است» (حیدری، ۱۳۹۲: ۱۱).

عبارت: «به هر طرف که نگاه کنی، علامتی از دوستی خدا را می‌بینی» (همان: ۱۱) انطباق دارد با آیه: «وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ» (ذاریات/۲۰) و بدانید که در روی زمین برای اهل یقین ادله‌ای از قدرت الهی پدیدار است.

همچنین در کتاب «از خدا تشکر کن» به کودکان یادآوری می‌کند که ما برای تشکر از هر کسی کاری انجام می‌دهیم. برای نمونه برای تشکر از هم‌کلاسی خوبی که مدادش را به ما

قرض می‌دهد به او می‌گوییم خیلی ممنون که مدادت را به من قرض دادی. برای تشکر از معلم به او خسته نباشید، می‌گوییم. بعد به آن‌ها می‌گوید: آیا تا به حال فکر کرده‌اید که برای تشکر از خدا باید چه کاری انجام دهیم و بیان می‌کند که نعمت‌های خدا زیاد است و ما نمی‌توانیم فقط با گفتن «خدا را شکر» از او تشکر کنیم؛ ولی اگر از دستت برای کمک به مادر استفاده کنی از خدا تشکر کرده‌ای و یا با پایت به عیادت مریض بروی به خاطر این نعمت از خدا تشکر کرده‌ای. در آخر می‌گوید: هر باری که کار خوبی انجام دهی در واقع از خدا تشکر کرده‌ای (ر.ک: حیدری، ۱۳۸۷ الف: ۴)

موضوع و محتوای کتاب «از خدا تشکر کن» انطباق دارد با آیات: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ» (لقمان/۱۴) و ما به هر انسانی سفارش کردیم که در حق پدر و مادر خود نیکی کن خصوصاً مادر که چون بار حمل فرزند برداشته و تا مدت دو سال که طفل را از شیر باز گرفته (هر روز) بر رنج و ناتوانیش افزوده است، (و فرمودیم که) شکر من و شکر پدر و مادرت بجای آور که بازگشت (خلق) به سوی من خواهد بود.

در آیات قرآن کریم به بی‌شمار بودن نعمت‌های الهی اشاره شده است و اینکه انسان قادر به شمارش آن‌ها نیست. خداوند در قرآن به ذکر نعمت‌های الهی پرداخته و هدف از انجام چنین کار این است که انسان جزء کوچک و ناچیز این نعمت‌ها را بشناسد و خدا را فراموش نسازد و در سایه این معرفت، سپاس این نعمت‌ها را به جا آورد.

و همچنین در آیه: «وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» (ابراهیم/۷) و (باز به خاطر آرید) وقتی که خدا اعلام فرمود که شما بندگان اگر شکر نعمت به‌جای آرید بر نعمت شما می‌افزایم و اگر کفران کنید، عذاب من بسیار سخت است.

یکی از شیوه‌های موثر تربیتی قرآن کریم، یادآوری، تذکر و تکرار نعمت‌های الهی است. این تکرار و تأکید برای به یاد داشتن نعمت‌ها، جهت اندیشیدن و تدبیر انسان و بیدار شدنش از خواب غفلت و اینکه آفرینش او بیهوده نبوده است، بلکه برای هدفی والاتر می‌باشد که آغاز آن، شناخت طبیعت، خود و انجام آن شناخت خداوند، همراه با آرامش و ایمان قلبی است. «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ» (بقره/۱۵۲)، پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و سپس شکر نعمت من به‌جای آرید و کفران نعمت مکنید.

روش یادآوری نعمت‌های الهی، یکی از مؤثرترین شیوه‌های تربیتی و غیرمستقیم برای آگاهی بخشی به رشد معنوی انسان‌ها و ایجاد حس پرستش، فروتنی و شکرگزاری برای ادای حق الهی است.

ادبیات کودک و نوجوان با الهام از این شیوه تربیتی دینی، انواع نعمت‌های الهی را متناسب با ذهن کودک به تصویر می‌کشد تا مخاطبان آن‌ها، ضمن شناخت خداوند، شکرگزار پروردگار خود باشند و در حین شکرگزاری، عشق و محبت خداوند را در دل خود جای دهند تا از این طریق در مسیر تربیت دینی صحیح و پرورش و رشد شخصیت خود، پویا باشند. نویسنده ادبیات کودک با بیان مفاهیم دینی و بازآفرینی آموزه‌های قرآنی، علاوه بر بیان احساسات و اندیشه خود، کودک را غیرمستقیم به خداشناسی هدایت سازد. در این راستا، عناصر زیبایی‌شناسانه از مهم‌ترین مؤلفه‌های اعتباربخشی شعر کودک و جذب آن‌ها به سوی خود است.

#### خداشناسی از راه آموزه‌های دینی

در آموزش دین به کودکان اولین چیزی که باید مد نظر داشت و نسبت به آن آشنایی پیدا کرد، شناخت روحیات و ویژگی‌های کودکان است. خداشناسی از راه آموزه‌های دینی وابسته به آگاهی از این موارد است. برای نمونه اگر یکی از آموزه‌های دینی را نماز، در نظر بگیریم، سن مناسب آموزش نماز و آماده کردن کودکان برای انجام این فریضه مهم، سنین نخست دبستان است؛ چون زمینه نماز در روح پاک کودکان و فطرت آن‌ها موجود است و ما وظیفه داریم آن را بارور کنیم. آموزش توحید و خداپرستی در اولویت آموزه‌های دینی قرار دارد؛ چون تا خدا را نشناسیم، نمی‌توانیم آموزه‌های دین را بپذیریم. «توحید و خداپرستی موجب می‌شود نگرش فرد به همه هستی و زندگی انسان، هدف‌دار و معنادار باشد و در رفتارها با انسجام، وحدت رویه و آرامش عمل کند. باور به خدا همه رفتارها و زندگی خانوادگی را به سوی کسب رضایت خداوند، سوق می‌دهد. فردی که خدا را ناظر و همراه خود و حتی از رگ گردن به خود نزدیک‌تر می‌بیند، تلاش می‌کند در برخورد با اعضای خانواده و انجام رضایت خانوادگی رضایت او را جلب نماید» (احمد پناهی، ۱۳۸۹: ۷۹).

التزام به آموزه‌های اعتقادی و عبادی، نقشی مهم در تقویت تربیت اخلاقی و معنوی کودکان و رهنمون کردن آن‌ها به سوی شناخت خدای یکتا دارد؛ بنابراین خداشناسی از راه آموزه‌های دینی که اصل مهم تربیت دینی است؛ یعنی کودک را با مسائلی مثل نماز، روزه و همچنین صفات

خداوند مثل مهربانی و ... آشنا می‌کنیم. با به تصویر کشیدن مهربانی خدا و دیگر صفات او که همگی به خیر ختم می‌شود، کودک را به راه سعادت رهنمون می‌کنیم که این مورد در پرورش دینی کودکان بسیار تأثیرگذار است.

۳۱۱

برای اینکه به کودکان کمک کنیم که احساساتشان را در جهت دینی گرایش دهند باید کاری کنیم تا عزت نفس خود را بازیابند و به «احساس ارزشمندی» برسند. باید رفتار و نحوه برقرار کردن ارتباط با آن‌ها را تغییر دهیم. به جای تمرکز بر خطاها و اشتباهات، بر آنچه انجام داده‌اند و یا می‌توانند انجام دهند، تأکید کنیم و همواره بر روی نقاط قوت و محاسن کارهای آنان تکیه کنیم. این امر سبب می‌شود که آنان به خود دلگرم شوند، به توانایی‌های خود اعتماد کنند؛ در نتیجه، احساس ارزشمندی کنند. به راه‌های مثبت گرایش بیابند و به رفتار خوب روی بیاورند. همین ایجاد اعتماد به نفس و تقویت نقطه‌های مثبت، خود یکی از مؤثرترین عوامل برای جهت‌دهی مثبت به احساسات و گرایش‌های دینی کودک به حساب می‌آیند» (فرهادیان، ۱۳۷۵: ۸۱)، پس ما می‌توانیم با آموزش صحیح آموزه‌های دینی در رشد اخلاقی و گرایش آن‌ها به سمت خدای متعال مؤثر باشیم.

از مهم‌ترین پرسش‌هایی که در دوران کودکی، در ذهن اکثر کودکان نقش می‌بندد؛ چگونگی و جایگاه خداوند است. با کمک گرفتن از پدیده‌های طبیعی، می‌توان خدا را به کودک شناساند؛ زیرا با قدرت پروردگار آفرینش طبیعت صورت گرفته است و ما می‌توانیم، قدرت خداوند را در آسمان و زمین و دریاها به کودک نشان بدهیم.

حیدری در کتاب «جهان یک خدا دارد» به این موضوع اشاره کرده است که اگر دنیا دو خدا داشت، خیلی از کارهای دنیا خراب می‌شد؛ ولی «جهان فقط یک خدا دارد؛ زیرا همه چیز در دنیا سر جایش است» (حیدری، ۱۳۸۷: ۴). جمله «جهان یک خدا دارد»، انطباق دارد با آیه: «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ»، (انبیا/۲۲). اگر در آسمان و زمین بجز خدای یکتا خدایانی وجود داشت، همانا خلل و فساد در آسمان و زمین راه می‌افتاد.

و همچنین در جمله «اما جهان فقط یک خدا دارد؛ زیرا می‌بینی که همه چیز در دنیا، سر جایش قرار گرفته است و طلوع و غروب خورشید و ماه و ستاره‌ها، خیلی منظم است» (حیدری، ۱۳۹۲: ۱۱). انطباق دارد با آیه: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ



وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ»، (آل عمران: ۱۹۰). محققاً در خلقت آسمان و زمین و رفت و آمد شب و روز) بر وجود حق و علم و قدرت و حکمتش روشن دلایلی است برای خردمندان عالم.

حیدری در کتاب «خدا در همه جا هست» با پرداختن به موضوعی مهم در زمینه پرستش خدای یگانه و همچنین نفس بت پرستی و پرستیدن هر چیز و هرکس غیر از خدا. از راه استدلال و دلیل و برهان توانسته است کودکان را به این مهم رهنمون کند.

حیدری با استفاده از مضمون آیه شریفه: «وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (بقره/۱۱۵)؛ مشرق و مغرب، هر دو ملک خدا است پس به هر طرف رو کنید به سوی خدا روی آورده‌اید خدا به همه جا محیط و به هر چیز داناست؛ با استفاده از توصیف طبیعت که مظاهر خدا در آن پیدا است، در پی پاسخگویی به این پرسش است و به کودک می‌آموزد که خداوند در همه جا حضور دارد.

کودک به دلیل نداشتن استقلال فکری، همواره نیازمند یک پناه دهنده و پشتیبانی است که در همه امور، حامی او باشد و او را در مسیر آرامش قرار دهد. در بُعد زمینی، پدر و مادر، پشتیبان کودک هستند و در بُعد معنوی، پروردگار عالمیان، همواره و در همه جا پشتیبان اوست؛ و تنها خداوند می‌تواند کودک را از نظر روانی، تحت تأثیر قرار دهد و او را به سوی استقلال و خودکفایی بکشانند. حیدری در داستان‌هایش بر این باور است که کودک به طور فطری و غریزی حس می‌کند که تنها دستاویزش خداوند است و فقط با توسل به اوست که می‌تواند برای وجود خود معنایی درخور بیابد، لذا با بهره بردن از آیات قرآنی به کودکان یادآور می‌شود که خداوند در هر زمان و مکانی نگهدارنده بندگان خود است.

کودکان با درونی کردن یاد خداوند می‌توانند به یک آرامش قلبی برسند، بنابراین حیدری به شیوه غیرمستقیم در داستان‌های خود، ذکر و یاد خدا را به کودک تعلیم می‌دهد. وی در کتاب «خدای من تویی تو»، به این آیه قرآن اشاره کرده است که: «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ وَوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ» (فصلت/۶)؛ بگو که من هم مانند شما بشری هستم جز آنکه مرا وحی می‌رسد که پروردگار شما خدای یکتای بی‌همتاست، پس همه مستقیم به راه دین او شتابید و از او آمرزش طلبید؛ و ای به حال مشرکان.

## نتیجه‌گیری

معرفی پروردگار در داستان‌های کودکان، به اقتضای درک و فهم مخاطب آن، ظرافت خاصی دارد و نیازمند برداشت‌های غیرمستقیم از مفاهیم و گزاره‌های عمیق و متعالی قرآن و انتقال آن در فضایی خیال‌انگیز و کودکانه است. در این پژوهش، نویسنده به بررسی تأثیر قرآن و اندیشه‌های قرآنی بر داستان‌های تعلیمی حوزه ادبیات کودک و نوجوان دهه هشتاد با رویکرد به داستان‌های غلامرضا حیدری پرداخته است. بررسی داستان‌های حیدری در این زمینه، حاکی از آن است که نویسنده برای بیان مفاهیم قرآنی و انتقال آن به کودک در داستان‌های خود، شگردهای مختلفی به کار گرفته است. تقریباً در همه داستان‌هایش، پروردگار با رویکردی عاطفی و لحن کودکانه و به دور از ادعای فضل و با زبان بسیار ساده به کودک معرفی شده است. به گونه‌ای که انگار، نویسنده داستان در جایگاه کودک نشسته است و به جای او و با زبان او، داستان تعریف می‌کند که این امر سبب گردیده است تا بار عاطفی داستان بیشتر گردد.

با توجه به این نکته که یکی از راه‌های شناخت پروردگار توجه به مظاهر آفرینش است؛ معرفی مظاهر طبیعت با استفاده از صور خیال و صناعات ادبی همچون تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه، برای کودک جذاب‌تر و گیراتر است. حیدری در داستان‌هایش به خوبی توانسته است خدا را از راه طبیعت و شگفتی‌ها و زیبایی‌های آن به کودکان معرفی کند. مطالب بیان شده در این بخش با تعالیم دینی انطباق دارد و در داستان‌های مورد بحث، می‌توان جمله‌هایی را یافت که مصداق آیه‌ای از آیات قرآن است.

از دیگر شیوه‌های خداشناسی، اشاره به نعمت‌های خداوند است تا از این طریق انسان، شکرگزار پروردگار و نعمت‌دهنده خود باشد. در این مرحله، نویسنده با لحنی کودکانه و با استفاده از آرایه‌های ادبی به نعمت‌های خداوند اشاره کرده است و از این طریق یکی از وجوه خداشناسی را به کودک آموخته است. در این بخش حیدری بیشتر اشاره به رزاقیت خداوند اشاره کرده و اینکه خداوند به فکر همه آفریده‌ها است و روزی همه مخلوقات را می‌دهد.

معرفی صفات پروردگار از طریق آموزه‌های دینی یکی دیگر از روش‌های شناخت خداوند است. در این شیوه نیز حیدری با مصداق‌گرایی به بررسی صفات پروردگار پرداخته و در آثار خود به خوبی صفات خدا را روایت کرده و با آوردن تمثیل، به سهولت انتقال مفاهیم افزوده است. از لحاظ انطباق داستان‌ها با تعالیم دینی، بیشتر داستان‌های حیدری، منطبق با تعالیم دینی

است و خواننده با خواندن هر اثر، آیه‌ای از قرآن را در ذهنش به یاد می‌آورد. وی همچنین به‌طور غیرمستقیم علاوه بر معرفی خدا با بیان ویژگی‌های آفریده‌ها در خلال داستان‌ها توانسته است بار علمی کودکان را نیز افزایش دهد.

## منابع

### کتاب‌ها

#### قران کریم

- حیدری ابهری، غلامرضا. (۱۳۸۷ الف). *از خدا تشکر کن*، قم: جمال.
- حیدری ابهری، غلامرضا. (۱۳۹۲ ز). *چرا خدا به فیل خرطوم داده‌است*، قم: جمال.
- حیدری ابهری، غلامرضا. (۱۳۹۲ ج). *چرا خدا به زرافه گردن‌دراز داده است*، قم: جمال.
- حیدری ابهری، غلامرضا. (۱۳۸۷ ب). *جهان یک خدا دارد*، قم: جمال.
- حیدری ابهری، غلامرضا. (۱۳۹۲ الف). *چرا خدا به شتر کوهان داده است*، قم: جمال.
- حیدری ابهری، غلامرضا. (۱۳۹۲ ب). *چرا خدا به کبوتر نوک داده است*، قم: جمال.
- حیدری ابهری، غلامرضا. (۱۳۹۲ ح). *چرا خدا به گاودم داده است*، قم: جمال.
- حیدری ابهری، غلامرضا. (۱۳۹۲ د). *چرا خدا به لاکپشت لاک داده است*، قم: جمال.
- حیدری ابهری، غلامرضا. (۱۳۹۲ و). *خدا دوستت دارد*، قم: جمال.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۵). *صورخیال در شعر فارسی*، تهران: آگاه.
- فرهادیان، رضا. (۱۳۷۵). *ارشادات*، تهران: بنیاد معارف.
- قزل‌ایغ، ثریا. (۱۳۸۹). *ادبیات کودکان و نوجوانان و ترویج خواندن (مواد و خدمات کتابخانه‌ای برای کودکان و نوجوانان)*، تهران: سمت.
- کریمی، عبدالعظیم. (۱۳۸۵). *رویکردی نمادین به تربیت دینی با تأکید بر روش‌های اکتشافی*، تهران: قدیانی.

مطهری، مرتضی. (۱۳۸۶). *مجموعه آثار*، تهران: صدرا.

نجفی، عبدالمجید. (۱۳۹۰). *زیرگنبد کبود (صورخیال در شعر کودک)*، تهران: انتشارات مهر.

### مقالات

احمدپناهی، علی. (۱۳۸۹). *نقش التزام به آموزه‌های دینی در تربیت و استحکام خانواده*.

معرفت اخلاقی، ۲(۲)، ۷۷-۹۶.

زارع گاوگانی، وحیده. (۱۳۸۳). مفاهیم تربیتی اسلام از دیدگاه قرآن در ادبیات کودک و نوجوان. *روانشناسی و علوم تربیتی*، ۳۴(۱)، ۲۰۱-۲۲۵.

سلیمان‌نژاد، اکبر، و سودی، حورا. (۱۳۹۳). بررسی تاثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی از طریق قصه‌های قرآنی بر کودکان. *روان‌شناسی و دین*، ۷(۲) (پیاپی ۲۶)، ۸۱-۹۷.

شجاع رضوی، سعیده. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر داستان‌های قرآنی بر مهارت‌های اجتماعی کودکان ۴ تا ۶ ساله از دیدگاه روان‌شناسی تربیتی. *چهارمین همایش ملی روان‌شناسی تربیتی شناختی*، تهران.

غلامی زارع‌زاده، فهیمه. (۱۳۹۵). تأثیر قصه‌های قرآن کریم بر تربیت و رشد کودکان. *همایش سراسر علمی پژوهشی سبک زندگی*، تایباد.

محرمی، رامین، اسداللهی، خدابخش، پورالخاص، شکرالله، و فروغی‌راد، پیام. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر مضامین قرآنی در اشعار کودکان جعفر ابراهیمی (شاهد). *پژوهش‌های ادبی-قرآنی*، ۴(۱)، ۱۳۰-۱۴۴. Dor:20.1001.1.23452234.1395.4.1.6.3

مقدسی‌پور، علی. (۱۳۸۲). اصول و روش‌های آموزش مفاهیم دینی به کودکان. *معرفت*، ۱۲(۷۵)، ۳۶-۴۴.

هویدا، رضا، و همایی، رضا. (۱۳۸۹). تأثیر قصه‌های قرآنی بر هوش هیجانی کودکان. *پژوهش نامه مبانی تعلیم و تربیت*، ۱۱(۱)، ۷۶-۶۱. Doi:10.22067/fe.v11i1.4008

#### پایان‌نامه‌ها

زارع، فاطمه. (۱۳۹۴). *شگردهای خدانشناسی در ادبیات کودک دهه هشتاد*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما دکتر زرین تاج‌واردی، دانشگاه شیراز.

#### References

##### Books

*The Qur'an*. [In Persian]

Farhadian, R. (1997). *Ershadat*, Tehran: Maaref Foundation. [In Persian]

Ghezal Ayagh, S. (2010). *Children and Adolescents Literature and Reading Promotion (Library materials and services for children and adolescents)*, Tehran: Samat. [In Persian]

Heidari Abhari, Gh. R. (2000b). *The world has one God*, Qom: Jamal. [In Persian]

Heidari Abhari, Gh. R. (20014b). *why God has given a pigeon a beak*, Qom: Jamal. [In Persian]

Heidari Abhari, Gh. R. (2008a). *Thank God*, Qom: Jamal. [In Persian]

Heidari Abhari, Gh. R. (2013c). *why God has given a long neck to a giraffe*, Qom: Jamal. [In Persian]

Heidari Abhari, Gh. R. (2013z). *why God gave the elephant a snout*, Qom: Jamal. [In Persian]

Heidari Abhari, Gh. R. (2014 AH). *why did God give it to my cow?*, Qom: Jamal. [In Persian]

Heidari Abhari, Gh. R. (2014 v). *God loves you*, Qom: Jamal. [In Persian]

Heidari Abhari, Gh. R. (2014a). *why did God give the camel a hump?*, Qom: Jamal. [In Persian]

Heidari Abhari, Gh. R. (2014d). *why God has given a turtle to a turtle*, Qom: Jamal. [In Persian]

Karimi, A. (2006). *A Symbolic Approach to Religious Education with Emphasis on Exploratory Methods*, Tehran: Ghadyani. [In Persian]

Motahari, M. (2008). *collection of works*, Tehran: Sadra. [In Persian]

Najafi, A. (2011). *Under the Blue Dome (Imagination in Children's Poetry)*, Tehran: Mehr Publications. [In Persian]

Shafiee Kadkani, M. R. (1997). *Imagination in Persian Poetry*, Tehran: Agah. [In Persian]

#### Articles

Ahmad Panahi, A. (2010). The role of adherence to religious teachings in family education and strength. *Moral Knowledge*, 2(2), 77-96. [In Persian]

Gholami Zarezadeh, F. (2016). *The Impact of Holy Quran Stories on the Education and Development of Children*, Conference on Lifestyle Research, Taybad. [In Persian]

Hoveida, R., & Homaei, R. (2010). The Effect of Quran Stories on Children's Emotional Intelligence. *Foundations of Education*, 11(1), 61-76. Doi: 10.22067/fe.v11i1.4008 [In Persian]

Moghadasipour, A. (2003). Principles and methods of teaching religious concepts to children. *Knowledge*, 12(75), 36-44. [In Persian]

Moharrami, R., Asadollahi, K., Pour-Elkhas, S., & foroghira, F. (2016). A Study of the Effects of Qur'anic Themes on Jafar Ebrahimi's Children Poetry. *Literary Quranic Researches*, 4(1), 130-144. Dor:20.1001.1.23452234.1395.4.1.6.3. [In Persian]

Shoja Razavi, S. (2020). *Study of the effect of Quranic stories on social skills of 4- to 6-year-old children from the perspective of educational psychology*, 4th National Conference on Educational Cognitive Psychology, Tehran. [In Persian]

Soleimannejad, A., & Sodi, H. (2014). The Impact of Social Skills through Children's Quran Stories. *Psychology and Religion*, 7(2(26)), 81-97. [In Persian]

Zare Gavvani, V. (2004). Educational concepts of Islam from the perspective of the Quran in children and adolescent literature. *Psychology and Educational Sciences*, 34(1), 201-225. [In Persian]

#### Theses

Zare, F. (2014). *Theological methods in children's literature of the 1980s*, master's thesis, supervisor Dr. Zarin Taj Vardi, Shiraz University.

#### website

Heidari Abhari, specialized website, last revised: September 22, 2015 <http://heydariabhari.com>.

Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dehkhoda)

Volume 16, Number 59, Spring 2024, pp.296-317

Date of receipt: 18/3/2022, Date of acceptance: 22/6/2022

(Research Article)

DOI:

**Quranic Thoughts in Educational Stories in the Field of Children and Adolescent Literature with an Approach to the Stories of Gholamreza Heidari**  
Somaye Rasouli<sup>1</sup>, Dr. Seyed Ahmad Hosseini Kazerooni<sup>2</sup>, Dr. Seyed Mahmoud Seyed Sadeghi<sup>3</sup>, Dr. Seyed Jafar Hamidi<sup>4</sup>

**Abstract**

Poets and writers in the field of children's literature in the creation of their literary works, the style of the Qur'an and its methods of expression as a model of their work and used Qur'anic words and ideas in the margins of their works so that the subject of adaptation of the Qur'an became widespread. By analyzing the works in this field, we can find evidence of the verbal and spiritual impact of the Qur'an on the language, thought and beliefs of the authors of these works and conclude that the Qur'an as the most important source of Islamic culture, inspiring many poets and He has been the author of children's and adolescent literature. This article seeks to investigate the influence of Gholamreza Heidari on Quranic themes in the stories of children's literature in a descriptive-analytical manner. Heidari is one of the leading writers in the field of children and adolescent literature in the eighties, who has numerous works in this field with Quranic and religious themes. For this purpose, by explaining the Quranic themes manifested in Heidari's stories and examining their function, the author seeks to answer these two questions: what is the purpose of using Quranic themes in stories in the field of children? And which themes are most used? Based on the study, it can be said that Quranic themes are part of the content of his stories, which are used to introduce religion, instill Islamic teachings, introduce Quranic teachings and prepare adolescents to perform religious duties.

**Keywords:** Gholamreza Heidari, Children and Adolescent Literature, Holy Quran, Theology, Adaptation.

<sup>1</sup> . PhD student, Department of Persian Language and Literature, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran. rasoli25@yahoo.com

<sup>2</sup> . Professor of the Department of Persian Language and Literature, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran. Sahkazerooni@yahoo.com.

<sup>3</sup> . Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran. (Corresponding author) sadeghi.mhmood33@yahoo.com

<sup>4</sup> . Professor of the Department of Persian Language and Literature, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran. Hamidi82225@yahoo.com